

# طرحی نو در اندازیم

نگاهی به تجربه‌ای مدرسه‌ای در زیستن در بستر تحول بنیادین

کرد، تصمیم بر آن شده بود که وزارت آموزش و پرورش مدرسه‌هایی را برای آزمونه (پایلوت) پیشنهاد دهد؛ اما پدر رفت و راه مانده بود برای ما.

ما جا پای جای پدر گذاشته بودیم و از نظام نوآوری تا مهارت حل مسئله را در دست گرفته بودیم تا سازمان به سازمان طرحی نو در اندازیم. سال ۱۳۸۷ مزین شد به نام «نوآوری و شکوفایی» و وزیر وقت آموزش و پرورش مسئولیتی بر دوش ما گذاشت که ادعایمان را با نوشتن برنامه‌های عملیاتی، برای اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور، به محک تجربه بگذاریم. این برای ما دری بود به سرزمینی وسیع. سرزمینی که تا امروز، هرچه آن را گذشته‌ایم، هنوز هم برای جولان و عمل انسان بکر است. حالا ما عضوی از ستاد تحول بنیادین بودیم و دسترسی داشتیم به اسنادی که هنوز در حال تکوین و تدوین بودند. قرار گذاشتیم تا پیش از آنکه سرزمین و قوانین آن را بشناسیم، کمتر دست به اقدام بزنیم تا هر برنامه و عمل ما هماهنگ با سرزمین و تقویت‌کننده‌ی آن باشد. پس خواندیم و خواندیم و خواندیم تا عینک حل مسئله‌مان مسئله‌ها و راه‌حل‌هایشان را در سند بیابد! هم‌زمان پا در مدرسه گذاشتیم و با عینکی که شیشه‌اش از مه و ابهام پاک شده بود، مدرسه را نگاه کردیم. حالا ما مدرسه‌ای برساخت کرده بودیم که می‌توانست تحول بنیادین را پیاده کند.

برداشت ما از کاشت انجام‌شده در سند تحول بنیادین چه بود؟ عینک ما چه بود و چه دیدیم؟ ما عینک حل مسئله به چشم داشتیم تا ببینیم چه موانعی نمی‌گذارند به‌جای دیروز در امروز و به‌جای امروز در فردا باشیم. گویی به قله‌ی خواسته‌های مطلوب رسیده باشیم. متریبی در صدر بود و همه‌چیز مهیا برای رشد او.

دکتر سارا سلیمی‌نمین

مؤسس مرکز نوآوری وابسته به مدرسه و عضو هیئت علمی

دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه صنعتی امیرکبیر

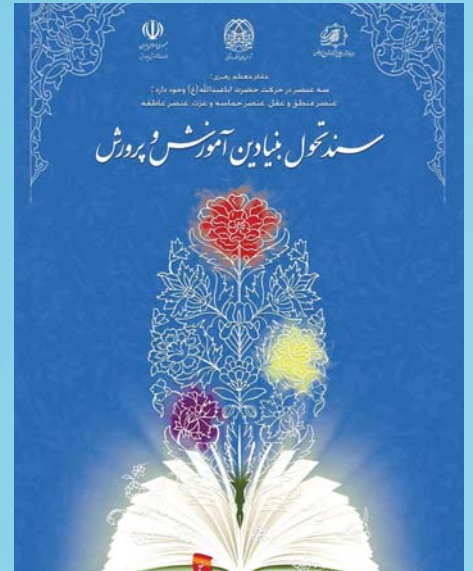
دکتر آمنه سلیمی‌نمین

مدیر مدرسه و پژوهشگر تربیت دینی

## برداشت ما از کاشت انجام‌شده در

### سند تحول بنیادین، در طراحی ما اثرگذار بوده است!

خدا رحمت کند همه‌ی گذشتگان این سرزمین را و اگر همراهی کنید پدر ما!! برخی نامش را جدایی‌ناپذیر از دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌دانند، وقتی در سال‌های دفاع مقدس، وظیفه‌اش را رشد علمی دانشگاه تعریف کرده و بیش از ده‌ها رشته‌ی مهندسی در کشور از انرژی هسته‌ای تا کشتی‌سازی و هوافضا را برای اولین بار راه‌اندازی کرده بود. محمدحسین سلیمی‌نمین که سیزده سال رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر و همچنین عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مهندسی صنایع بود، درس مدیریت صنعتی خوانده بود؛ اما در مدیریت دانشگاه هم موفق عمل کرده بود. رمز موفقیتش را تسلط به درس‌های نظام ملی نوآوری در سطح کلان کشور و مدیریت کیفیت و مهارت‌های حل مسئله همچون تریز در سطح سازمان می‌دانست. دانشجویان دکترایش افق‌های جدید برنامه‌ریزی برای کشوری نوآور را به رویش می‌گشودند. همین هم شد ارثیه‌ی ما. چند سالی بود که همکاری علمی با وزارت آموزش و پرورش برای انتقال دانش حل مسئله و نوآوری به مؤلفان کتاب‌های درسی را شروع کرده بود. در آخرین همایشی که در سال ۱۳۸۶ هدایت



با هم پیدا کند، نیست؛ سخن از افراد نخبه یا افراد آهسته گام در به کارگیری فرمول‌ها و قوانین هر درس نیست؛ سخن از سطحی از مربی است که زمینه‌ی بازکشف درس‌ها را در مسئله‌های موردنظر مرتبی فراهم می‌کند. معلم تسهیلگری مسئله را با ساحت «زیستی و بدنی» و توجه به کژکارکردی‌ها» شروع می‌کند و سپس به بازمعنای مسئله با ساحت «تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی» و توجه به وجود نظام قانونمند مادی و ماورای مادی خلقت و جاری بودن معنای پنج ستون دین» در آن می‌پردازد. تسهیلگری با ساحت «تربیت علمی و فناوری» برای تشخیص رویکرد علمی شناخت قوانین نظام خلقت و بهره‌گیری از آن‌ها در حل مسئله ادامه پیدا می‌کند. سپس در «ساحت تربیت زیستی و بدنی» تقویت‌سازی داده‌ها را تسهیل می‌کند و بعد از آن، در ساحت «هنری و زیبایی‌شناختی» با بهره‌گیری از قوانین زیبایی‌شناختی نظام خلقت، تولید راه‌حل‌ها را در برنامه قرار می‌دهد. در نهایت «ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و بررسی ابعاد اقتصادی راه‌حل» و «ساحت تربیتی سیاسی و اجتماعی، و بررسی زمینه‌ی تغییرات و همراهی اجتماعی و سیاسی راه‌حل» در برنامه‌ی تجربه قرار می‌گیرند. تصویر سندن، از پس عینک ما، همان دانش‌آموزی است که مهارت حل مسئله ابداعی (تربیتی) را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که دغدغه‌ی مسئله را از هر ساحتی آغاز کند، برای بازتعریف و حل آن، تمام ساحت‌های شش‌گانه را حداقل یک بار تجربه می‌کند و این‌چنین، حل هر مسئله‌ای او را در مسیر حیات طیبه ورزیده‌تر و جامعه را یک گام به جامعه‌ی صالح نزدیک‌تر می‌کند.

حالا ما بودیم که باید دقیق و دقیق‌تر می‌شدیم. آیا ترکیبی از برساخت‌گرایی با مهارت تعریف و حل مسائل ابداعی، می‌توانست راهی تجربه‌پذیر برای مربی و مرتبی سندن تحول باشد؟ پس آهسته در مسیر پا گذاشتیم تا جریان آب روی آینه را ببینیم و این راه، امروز ۵ ساله است برای کسانی که راه‌ها را تحلیل می‌کنند. پس می‌نویسیم تا شاید به قدر نقدی، همراه آب و آینه شوید.

خواسته‌ی مطلوب سندن، سطحی از مرتبی بود که به درک موقعیت خود و دیگر متربیین در مسیر حیات طیبه رسیده باشد و برنامه‌ی ضرورت خود را به گونه‌ای پیش برد که دیگر همراهانش نیز در مسیر حیات طیبه قرار بگیرند و در این مسیر، جامعه به سمت جامعه‌ای صالح رشد کند. در چنین فضای، سخن از موقعیت‌های جلو و عقب نیست، سخن از اجبار برای یکسانی نیست؛ بلکه سخن از تلاش و تفکر و تعقل برای پیدا کردن راه توسط هر استعداد منحصر به فرد برای شرایط ویژه‌ی اوست. در چنین فضای، سخن از سطحی از مربی است که چنان فکر را برمی‌انگیزاند تا مرتبی راه خودش را جست‌وجو، کشف و تجربه کند. تصویر سندن، از پس عینک ما، همان دانش‌آموز خودیادگیرنده‌ای است که مسئله‌های زندگی‌اش را تعریف و حل می‌کند و معلم نیز در مسیر برساخت‌گرایی کودک، درونمایه‌ی چنین رشدی را برایش فراهم می‌آورد.

خواسته‌ی مطلوب سندن، رشد همه‌جانبه‌ی مرتبی در شش ساحت تربیتی بود. در چنین فضای، سخن از درس‌های متعدد که کودک نمی‌تواند رابطه‌ی آن‌ها را